

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## خمس در منظراهل بیت

استاد راهنما: حجت الاسلام پوربدخشان

نویسنده: جواد خدیشی

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

## چکیده

یکی از تکالیف شرعی که خداوند در قرآن کریم بر مسلمانان واجب کرده، پرداخت خمس است. برپایه دیدگاه اهل سنت، مصداق خمس در آیه ۴۱ سوره انفال تنها غنایم جنگی است، اما براساس دیدگاه ائمه اطهار(ع)، مصداق خمس تنها غنایم جنگی نبوده، بلکه تمامی منافع و عواید سالیانه را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت و جایگاه خمس، رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) علاوه بر تبیین مصادیق خمس، برای اجرای آن نیز اهتمام ورزیده‌اند. طبق این دیدگاه، آن دسته از روایات معصومان(ع) که بر حلیت تصرف در مال متعلق خمس دلالت می‌کند ناظر به شرایط و مقطع خاص و به علت شرایط سیاسی-اقتصادی و اجتماعی بوده است. بنابراین در عصر غیبت هم وجود پرداخت خمس همچنان باقی است. در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی تاریخی وضعیت خمس در عصر حضور، به صورت توصیفی و تحلیلی، شبهه‌های تاریخی این موضوع و دیدگاه اهل سنت مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

## کلیدواژه‌ها

خمس در قرآن، تاریخ خمس، معصومان، تشییع

## مقدمه

قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره انفال، پرداخت خمس توسط مسلمانان را مطرح کرده و می‌فرماید: **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ** بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای رسول خدا صل الله علیه و آله و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است. براساس این آیه شریفه، برخی مفسران و مورخان اهل سنت، مصداق وجوب خمس را فقط غنیمت جنگی می‌دانند. از دیگر سو، چند روایات بر حلال بودن خمس برای برخی از شیعیان وجود دارد که برخی همانند مدرسی طباطبایی تصور کرده‌اند که امامان نخستین تا امام جواد علیه السلام خمس را از شیعیان اخذ نکرده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۴). بنابراین، برای پاسخ به این شبهه‌ها لازم است به چند سؤال اساسی در این زمینه پاسخ داد:

آیا اصل خمس در عصر ائمه اطهار علیهم السلام وجود داشته است؟

شیعیان و ائمه علیهم السلام برای دریافت و پرداخت خمس چگونه برخورد می‌کردند؟

مواردی که خمس به آن تعلق گرفته کدام است؟ بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شده تا با روش توصیفی-تحلیلی براساس منابع کتابخانه‌ای به وضعیت تاریخ خمس نزد شیعیان پاسخ داده شود. از این رو، لازم است ابتدا پیشینه تاریخی بحث درباره خمس مطرح گردد تا روشن شود که آیا شیعیان و ائمه اطهار علیهم السلام به آن عنایت داشته‌اند یا خیر؟

## پیشینه تاریخی بحث درباره خمس

در عصر حضور ائمه علیهم السلام و آغاز غیبت صغرا کتاب های فقهی بسیاری از سوی شیعیان نگارش یافته که یا به طور مستقیم عنوان خمس داشته و یا در آن بحث خمس مطرح شده است. حسن بن سعید بن حماد بن مهران (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۸)، علی بن مهزیار اهوازی (همان، ص ۲۵۳)، علی بن حسن فضال (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۷)، محمد بن عیسی بن عبید (همان)، محمد بن اورمه (اورمه) قمی (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۰)، حسین بن سعید بن حماد (ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۷۶)، محمد بن حسن بن فروخ صفار (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۴)، احمد بن محمد بن دول قمی (همان، ص ۴۰)، حمید بن زیاد بن حماد (همان، ص ۱۳۲)، محمد بن احمد بن جنید اسکافی (همان، ص ۳۰۵۸)، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (همان، ص ۳۸۹) از جمله کسانی هستند که کتاب های مستقلی در زمینه خمس نگاشته اند.

در عصر غیبت کبری نیز عالمان شیعه، بابتی از کتاب های فقهی را به غنایم یا خمس اختصاص داده اند، چنان که علی بن بابویه قمی در کتاب فقه منسوب به امام رضا علیه السلام بحث خمس را مطرح کرده است (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۴). شیخ صدوق در المقنع (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۱) و الهدایة (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷۶) باب مستقلی به نام خمس دارد. شیخ مفید نیز به طور مستقل باب خمس و غنایم را در کتاب المقنعه مطرح کرده است (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۶). همچنین سید مرتضی در کتاب الانتصار بابتی با عنوان ما يجب فیه الخمس و کیفیة قسمته (علم الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۵) و نیز در کتاب رسائل بابتی در احکام خمس دارد (علم الهدی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲۶).

در دوران معاصر نیز آثار زیادی در زمینه بررسی مسئله فقهی خمس از سوی علما و محققان شیعه نگاشته شده، اما بیشتر مباحث آنها به بررسی روایی- فقهی در زمینه مصادیق و مستحقان خمس و چگونگی محاسبه خمس اختصاص دارد. آنان تنها در مقدمه کتاب خویش بحث مختصری درباره دریافت خمس غنایم از سوی رسول خدا صل الله علیه و آله و اهتمام ائمه علیهم السلام، به بیان وجوب و متعلق خمس مطرح کرده اند. تنها کتابی که به طور مفصل، تاریخ خمس را در دوران نبوی صل الله علیه و آله و نیز برخی گزارش های پرداخت خمس از سوی شیعیان به ائمه علیهم السلام را مطرح کرده، کتاب الخمس اثر آیت الله حسین نوری همدانی است. کتاب دیگری که به طور مختصر درباره تاریخ خمس در عصر رسول خدا صل الله علیه و آله پرداخته، کتاب خمس اثر سیدحسن امامی است. البته بیشتر تلاش نویسندگان در خصوص اثبات وجوب خمس در منافع و نیز پاسخ به شبهات اهل سنت است.

پس از روشن شدن اهمیت و اهتمام شیعیان به نگارش کتاب درباره خمس، برای پاسخ به پرسش های اساسی درباره تاریخ خمس، لازم است تا بررسی اجمالی درباره وضعیت خمس در عصر نبوی و عصر هریک از ائمه علیهم السلام صورت گیرد.

## الف. عصر رسول خدا صل الله علیه و آله

### خمس غنایم در نبردها

طبق گزارش کلبی برخی از مسلمانان از همان آغاز هجرت که در درگیری با مشرکان غنیمتی را به دست می آوردند، طبق رسم های پیش از اسلام غنایم را نزد رسول خدا صل الله علیه و آله آورده و می گفتند: ای رسول خدا صل الله علیه و آله آنچه مخصوص شماست و یک چهارم را بگیر و باقی را به ما واگذار نما، پس همان طور که ما در جاهلیت رفتار می کردیم یک چهارم از غنایم و صفایای آن، و حکم، فرمان شماست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۹۲). بعد از اسلام نیز در عصر نبوی بر مسلمانان لازم بود که خمس غنایم به دست آمده از سرزمین های مفتوحه و نیز غنایم به دست آمده از مشرکان (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۷۸) و خمس درآمد را پرداخت کنند. طبق برخی گزارش ها نخستین غنیمت جنگی که سهم حاکم و رسول خدا صل الله علیه و آله از آن برداشت شد، غنایمی بود که در جریان جیش عبدالله بن جحش در منطقه نخله به دست آمد.

در این درگیری، کشمش، پوست و دیگر کالاهای تجاری به غنیمت مسلمانان درآمد و آن را به مدینه آوردند. عبدالله به یاران خویش گفت: یک پنجم غنیمت شما از آن رسول خدا صل الله علیه و آله است. البته این پیش از تشریح خمس بود. به هر حال، وی خمس غنایم را برای پیامبر گرامی صل الله علیه و آله جدا کرد و باقی مانده را میان یاران خود تقسیم کرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۲ و ۴۸۱). به نظر می رسد مراد از تقسیم سهم حاکم همان مربع باشد که در عصر جاهلی مرسوم بود، زیرا واقدی در گزارش دیگری می نویسد: از ابی بردة بن نیار نقل شده است که پیامبر صل الله علیه و آله غنایم اهل نخله را نگهداری کرد و به جنگ بدر رفت، آن گاه پس از، بازگشت از بدر، غنایم نخله را با غنایم اهل بدر تقسیم و به هر کس حقیش را عطا کرد (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸). سیوطی نیز درباره اسباب نزول آیه خمس می نویسد که مشاجره مسلمانان درباره غنایم بدر زمینه نزول آیه این آیه بود (سیوطی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۰).

گفتنی است که رسول خدا صل الله علیه و آله در جنگ های دیگر نیز بعد از گرفتن غنایم، خمس اموال را جدا و بین مسلمانان حاضر در جنگ تقسیم می کرد.

### بخش نامه برای گرفتن خمس

رسول گرامی صل الله علیه و آله که حاکم الهی در جامعه اسلامی بود، به مسئله خمس توجه ویژه داشت. براساس همین اهتمام حضرت بود که فرماندهان جنگ پیش از تقسیم غنایم، خمس اموال را جدا می کردند. رسول خدا صل الله علیه و آله پس از گسترش اسلام نیز به اجرای قوانین الهی اهمیت داد و با ارسال سفیران یا نگارش نامه به آموزش احکام و اجرای آن و نیز گرفتن خمس اهتمام بیشتری ورزید (نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۳۵).

آن حضرت در نامه های خطاب به نهشل بن مالک وائل باهلی، همراه با تأکید بر دوری از مشرکان (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۴)، بنی معاویة بن جَروال الطائیین (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۳۱)، بنی جوبین طائیین (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۶)، عمروبن معبد جُهَنی، بنی حرقه از جُهینه، بنی جرمز (همان، ص ۲۰۸)، بنی زبیرن اُقیش (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۶۶۶)، بنی جرش (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۵۰)، صیفی بن عامر از طایفه ثعلبه (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۶۷)، وفد بنی البکاء فجیع بن عبدالله بکایی (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۲)، وفد فزاره، وفد ثعلبه، وفد سعدبن بکر، ضُمام بن ثعلبه و وفد الداریین از لَخم (مقربزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۸۹)، رؤسای قبیله ذی رعین، معافر و همدان (حمیری کلاعی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۵) و مردم مسلمانان یمن (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۰) می نویسد: خمس غنایم را بپردازید.

همچنین خطاب به عمروبن مره جُهَنی می نویسد: به پرداخت خمس اقرار کنید (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۰). همین طور رسول خدا صل الله علیه و آله در نامه ای خطاب به قبیله زُهیربن اُقیش تأکید کردند: باید شهادت دهند که خدایی جز خداوند یکتا نیست... و بپذیرند در غنایم آنها خمس و سهم و صفایای نبی هست (ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۳۶۳).

در برخی از نامه های رسول خدا صل الله علیه و آله خطاب به مسلمانان، هیچ گونه اشاره ای به جنگ و غنیمت جنگی نشده است، چنان که برای طایفه حدَس از قبیله لَخم نوشتند: هر کس که نماز را بر پا دارد و زکات را بپردازد و بهره خدا و رسولش را رعایت کند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۵). در گزارش دیگری آمده است که رسول خدا صل الله علیه و آله نامه ای خطاب به اَبونُخیله لهبی نوشته و در آن وجوب خمس رِکاز (گنج) را یادآوری کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۴۰). نیز در نامه ای که مخاطب آن مشخص نیست، نوشتند: فروش سهم از مغنم پیش از پرداخت خمس جایز نیست (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۵۱).

از ظاهر این دسته نامه ها، به دست می آید که مراد آن حضرت اهتمام مردم به پرداخت سهم خمس از باب عمل به تکلیف شرعی و پاک کردن مال آنان بوده است، زیرا اگر مراد خمس غنایم بود باید در این نامه ها نیز به خمس غنایم اشاره می شد.

### پرداخت خمس دیگر اموال

گاهی رسول خدا صل الله علیه و آله به مردم توصیه می کردند که علاوه بر خمس غنایم، خمس دیگر اموال را نیز بپردازند، چنان که ایشان به ابوذر و سلمان و مقداد می فرمود: و بیرون کردن خمس از هرچه که مردم آن را مالک می شوند، نیز واجب است تا آنکه آن را به دست سرپرست مؤمنان و زمامدارشان برسانند (سید بن طاووس، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳۰). همچنین اگر کسی گنجی به دست می آورد، نزد رسول خدا صل الله علیه و آله می آمد تا خمس آن را خارج کند. این سیره در عصر خلفا نیز ادامه یافت، چنان که عمر، معدن را به منزلهٔ رِکاز (گنج) در خمس قرار داد (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۵۴۱). ملاک وی یافتن گنج در مخروبه یا منطقه غیرمسکونی بود (عینی، بی تا، ج ۹، ص ۱۰۲).

### ب. عصر ائمه اطهار علیهم السلام

بعد از رحلت رسول خدا صل الله علیه و آله وضعیت مالی مردم چندان مساعد نبود تا بتوانند به پرداخت خمس ارباح مکاسب اهتمام ورزند. از سوی دیگر، خلفا نیز در گرفتن این نوع از خمس کوتاهی می کردند (ابویوسف، ۱۴۲۰ق، ص ۳۵۲)، این در حالی بود که خاندان بنی هاشم نیز در وضعیت مالی خوبی به سر نمی بردند. مؤید این سخن، سخنان عمر است که می گفت: اگر خمس عراق دریافت شود، مشکل ازدواج و خدمت گزاری به هاشمیان از میان می رود (همان).

با روی کار آمدن خلفا و کشورگشایی آنان، غنایم جنگی بیشتری به دست آمد. براساس آیه ۴۱ سوره انفال، سهم خمس باید به صاحبان آنان پرداخت می شد. اما با توجه به جایگاه خمس در مشروعیت بخشی به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، نگاه خلفا به خمس تفاوت پیدا کرد. طبق گزارش منابع تاریخی و روایی اولین کسی که پرداخت خمس به ذوی القربی را منع کرد، ابوبکر بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۲۲۲)؛ ابن ابی الحدید در این باره می نویسد: ابوبکر هنگام توزیع سهام خمس، حضرت زهرا علیها السلام و بنی هاشم را از دریافت سهم ذوی القربی بازداشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۲۳۰). بعد از او نیز عمر آن را تشدید کرد (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۰). زمانی از امام باقر علیه السلام درباره خمس سؤال شد: فرمودند: خمس برای ماست اما از آن منع شدیم (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۰). همچنین امام کاظم علیه السلام در مناظره با هارون می فرمایند: ما از دریافت سهم غنایم و خمس منع شدیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸، ص ۱۴۴۷).

### عصر خلافت امام علی علیه السلام

خمس در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دریافت می شد و کسانی که آن را سبک می شمردند، توبیخ می شدند (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷). ابویوسف در کتاب الخراج در این باره می نویسد: علی علیه السلام خمس را همانند خلفا تقسیم کرد (ابویوسف، ۱۴۲۰ق، ص ۲۳). براساس این گزارش می توان گفت که امیرالمؤمنین علیه السلام خمس اموال مسلمانان یا غنایم را دریافت می کرد. البته چگونگی تقسیم آن همانند دورهٔ خلفا بود. مؤید این نظر، سؤال راوی از امام باقر علیه السلام درباره رأی امام علی علیه السلام در باب خمس است، که فرمودند: نظر ایشان در خمس نظر اهل بیت علیهم السلام بود، اما ایشان به علت اعتراض مردم، بیم داشت با نظر خلفا مخالفت کند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۵۱۷). دلیل این رفتار، فضای فکری - سیاسی جامعه بود که امام بنابر مصلحت در چگونگی تقسیم آن، تغییری ایجاد نکرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام خمس گنج و معدن را نیز از مسلمانان دریافت می کردند، چنان که ابو عبیده در کتاب الاموال می نویسد: علی علیه السلام معدن را رکاز (گنج) نامید و حکم گنج را بر آن اجرا کرد و از آن خمس گرفت (ابن سلام، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۶). همچنین امام علی علیه السلام از کسی که معدنی را در برابر صد گوسفند فروخته بود، خمس معدن را گرفت (همان). همین طور آن حضرت در عراق مردی را که ۱۵۰۰ درهم گنج پیدا کرده بود، امر کرد اگر آن را در روستای غیر آباد (مخروبه) پیدا کرده، خمس آن را بپردازد (بیهقی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۶). در گزارش بیهقی هم آمده است: مردی در حوالی محله های قدیمی کوفه یک ظرف حاوی چهارصد درهم را پیدا کرد. امام علی علیه السلام به آن شخص فرمود: آن را به پنج سهم تقسیم کن، سپس امام سهم خود را برداشت و چهار سهم آن را برگرداند. بعد فرمود: در همسایگی شما فقرا هستند؟ گفت: آری. امام فرمود: این سهم را هم بگیر و میان آنان تقسیم کن (همان، ص ۱۵۷).

یکی دیگر از شواهد پرداخت خمس، روایت امام صادق علیه السلام است که می فرمایند: مردی نزد امام علی علیه السلام آمد و گفت: من ثروت جمع می کنم، اما کوتاهی می کنم که از راه حلال است یا از راه حرام. اکنون می خواهم توبه کنم، اما حلال و حرام آن را نمی دانم، زیرا به هم آمیخته است. امام فرمود: خمس مال را پرداخت کن، چراکه خداوند به یک پنجم اموال رضایت داده و مابقی اموال برای شما حلال است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۲۵). براساس گزارش شیخ صدوق، امام به وی فرمود: خمس مال را بده و وی خمس را پرداخت کرد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۳).

امام علی علیه السلام با توجه به مشکلات مالی شیعیان، گاهی با تأکید بر پرداخت خمس و بیان آثار منفی عدم پرداخت آن، کسانی را که در پرداخت خمس کوتاهی می کردند مؤاخذه می فرمود، گرچه سهم خمس آنان را می بخشیدند تا زندگی آنان پاک بماند، چنان که در روایتی امام باقر علیه السلام، از امام علی علیه السلام نقل کرده، آن حضرت می فرماید: مردم به خاطر خوردنی ها و همسران خود نابود می شوند، زیرا آنان سهم ما را نپرداخته اند، آری ما شیعیان خود و پدران آنان را از این جهت حلال کردیم (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۷).

### عصر امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام

در دوران امام حسن علیه السلام، بنی امیه روی کار آمده و تلاش کردند تا حقوق شیعیان، سادات علوی و امامان شیعه علیهم السلام را نفی کرده و سهم ائمه اطهار علیهم السلام را پرداخت نکنند، زیرا موجب مشروعیت بخشی به آنان می شد. در این دوره پرداخت خمس به شیعیان توسط بنی امیه نادیده گرفته شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۰۵). از دیگر سو، با توجه به وضعیت مالی و فشار سیاسی خلفا بر شیعیان، امکان پرداخت خمس از سوی شیعیان نیز به کمترین حد ممکن رسید و اگر کسی هم به پرداخت آن اهتمام داشته در تاریخ ثبت نشده است.

### عصر امام باقر علیه السلام

با انتقال قدرت سیاسی از بنی مروان به بنی عباس و تلاش روزافزون ائمه علیهم السلام در عرصه سیاسی - اجتماعی و عقیدتی و گسترش تشیع، این دوره متفاوت با عصر امامان قبلی بود. ابن سعد در طبقات می نویسد: امام باقر علیه السلام فرمود: از زمان معاویه تا به امروز خمسی در میان ما تقسیم نشد (همان). همچنین در گزارش کشف الغمّه آمده است: عمرین عبدالعزیز هفتاد خروار زر سرخ و سفید از مال خمس به ایشان داد و نیز آنچه حق بنی فاطمه و بنی هاشم بود که در زمان ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید و عبدالملک جمع کرده و به ایشان نداده بودند، به ایشان بازگرداند، و بنی هاشم در آن سال ها غنی شده و وضع مالی آنان بهبود یافت (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۹۶).

امام باقر علیه السلام درباره فراموشی این حکم توسط خلفا، خطاب به نجیه فرمودند: برای ما در کتاب خدا خمس، انفال و اموال برگزیده قرار داده شده است، اما در حق ما ظلم شده و آن را پرداخت نمی کنند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۵). نیز ایشان شیعیان را به پرداخت خمس و اهمیت آن توجه داده و در این باره فرمودند: ما نزدیکان رسول خدا صل الله علیه و آله هستیم و خمس، سهم ماست. هر کس مالی که خمس به آن تعلق می گیرد در دست دارد، مالک آن خمس نیست، بلکه از آن خاندان رسول خدا صل الله علیه و آله است و وظیفه دارد آن را به امام خویش برساند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۱).

امام علیه السلام در سخنان دیگری درباره نهی از خرید مال با پول خمس نداده (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۳۶)، فرمودند: غنیمتی که مسلمانان در جنگ با کفار برای مسلمان شدن آنان به دست می آورند، خمسش از آن ماست و برای هیچ کس روا نیست که از مال خمس چیزی بخرد، مگر آنکه حق ما را به ما برساند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۵).

امام باقر علیه السلام در تبیین مسائل مالی شیعیان، بر اهمیت پرداخت خمس به عنوان یک عمل فقهی برای تزکیه مال و نفس شیعیان تأکید و آنان را به پرداخت آن ترغیب می کردند، از این رو، شیعیان تلاش می کردند تا با پرسش و پیگیری از مباحث خمس به تکالیف شرعی خویش عمل کنند. برای مثال، محمدبن مسلم از ایشان درباره نمک زار پرسیدند، حضرت فرمودند: نمک زار چیست؟ گفتم: زمینی شوره زار نمکی است که در آن آب می بندند تا نمک شود. امام فرمود: در این معدن، خمس است. پس گفتم: در گوگرد و نفت که از زمین بیرون می آید؟ فرمودند: در این و مانند اینها خمس وجود دارد (همان، ج ۴، ص ۱۲۲).

نیز حکم بن علبای اسدی می گوید: نزد امام باقر علیه السلام رفتیم و به ایشان گفتم: من کارگزار بحرین شدم و دارایی بسیاری کسب کردم و کشت زار فراوان، کالاها، غلامان، کنیزان و زنانی که برایم فرزند بیاورند، خریداری کردم و هزینه آنان را می دهم و این هم خمس این دارایی ها، این کنیزان، زنان و مادر فرزندانم شده اند که نزد شما آورده ام. امام فرمود: بله همه اینها برای ماست و هرچه آورده ای از تو می پذیرم و زنان و مادر فرزندانان و برخی هزینه ها را بر تو حلال کردم. من و پدرم بهشت را برای تو تضمین کرده ایم (همان، ص ۱۳۶).

ابن ابی نصر می گوید: به امام باقر علیه السلام نوشتیم: خمس را پیش از مخارج بدهم یا بعد از مخارج؟ امام علیه السلام در پاسخ نوشتند: بعد از مخارج (همان، ج ۱، ص ۵۴۵). نیز شخصی از امام باقر علیه السلام درباره معادن طلا، نقره، آهن، قلع (سرب) و مس سؤال پرسید، فرمود: خمس به اینها تعلق می گیرد (همان، ص ۵۴۴). در روایت دیگری آمده است که از ایشان درباره معادن پرسیدند، فرمود: در هرچه گنج باشد خمس آن باید پرداخته شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۲).

### عصر امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام همانند پدر خویش، شیعیان را به پرداخت خمس سفارش کرده و در این باره فرمودند: همان طور که رسول خدا صل الله علیه و آله خمس می گرفت، امام علیه السلام هم خمس می گیرد (همان، ص ۱۲۸). بزرگ ترین گناه، انکار حق ما اهل بیت علیهم السلام است (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۱). در گزارش دیگری آمده است که شیعیان خراج مالشان (سهم امام) را به امام صادق علیه السلام می رساندند، از این رو، منصور عباسی امام علیه السلام را متهم کرد که از پیروان خود خراج می گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۱۸۷).

امام صادق علیه السلام در باب اهمیت پرداخت خمس فرمودند: هر کس غنیمت و کسبی دارد باید خمس آن را بپردازد، حتی خیاطی که لباسی را به پنج دانق (دانگ) (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۰۴۰۲) بدوزد باید یک دانق (دانگ) خمس بپردازد (طوسی،

۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۲). نیز در اهمیت پرداخت آن برای تطهیر روح شیعیان فرمودند: من حتی یک درهم را از همه شما می گیرم، درحالی که از نظر مالی، ثروتمندترین مردم مدینه هستم. تنها مقصودم از این کار، پاکیزه کردن شماست (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۳۸).

امام صادق علیه السلام باتوجه به شرایط سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به وجودآمده برای شیعیان در برخی موارد متعلق خمس را برای آنان معرفی می کردند، چنان که فرمودند: گرفتن اموال ناصبی ها و پرداخت خمس آن جایز است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۲)، زیرا آنان دشمنان رسول خدا صل الله علیه و آله محسوب می شوند. همچنین فرمودند: آنچه سلطان ظالم به شیعیان پرداخت می کند باید خمس آن پرداخت شود (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۵۳۹). همین طور می فرمودند که خمس عنبر و غواصی برای مروراید نیز باید پرداخته شود (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۸). به معادن و گنج نیز خمس تعلق می گیرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۲). ایشان در پاسخ به سؤال شخصی درباره آیه خمس فرمودند: خمس به فایده هر روز تعلق می گیرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۴). همچنین ایشان در نامه ای خطاب به شیعیان، پرداخت خمس طلا و نقره را که یک سال از آن گذشته باشد واجب دانسته اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۲).

شیعیان نیز با توجه به اهمیت پرداخت سهم امام، امور مالی خود را یا مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق وکلایی چون معلی بن خنیس (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۴۵) به امام علیه السلام می رساندند. در گزارشی عمر بن یزید می گوید: ابی سیار مسمع بن عبدالملک را در مدینه دیدار کردم، در آن سال وجهی برای امام صادق علیه السلام آورده بود و آن حضرت به او پس داده بود. به او گفتم: چرا امام صادق علیه السلام وجهی را که برایش آورده بودی به تو پس داد؟ در جواب گفت: من وقتی آن وجه را خدمت امام علیه السلام دادم به ایشان گزارش دادم که من متصدی غوص (مرورایدگیری) از دریای بحرین شدم و چهارصد هزار درهم به دست آوردم و خمس آن را که هشتاد هزار درهم است برای شما آوردم و نخواستم آن را که مال شماست نگهدارم؛ این حقی است که خداوند برای شما در اموال ما قرار داده است.

امام علیه السلام فرمود: ای ابا سیار! ما آن را برای تو حلال کردیم، همین مال خود را با خود بگیر، هر آنچه از زمین در دست شیعیان ماست بر آنان حلال است تا قائم ما قیام کند (همان، ج ۱، ص ۴۰۸). در گزارش دیگری خطاب به مردی از اصحاب که درباره غنایم سؤال کرد، فرمود: خمس ما را پرداخت کند تا مال او پاک شود (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۴). همچنین طبق نقل ابن شهرآشوب، امام صادق علیه السلام از سوی برخی از زیدیه به علت پرداخت وجوهات شیعیان به امام خویش، مورد هجمه قرار گرفتند (ابن شهرآشوب، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۵).

برخلاف روایاتی که بر پرداخت خمس از سوی شیعیان تأکید دارد، چند روایت وجود دارد که در آنها وجوب خمس از برخی شیعیان برداشته شده است. به عبارت دیگر، امام خمس را از آنان اخذ نمی کرد. در یکی از این روایت ها آمده است که مردی طناب و گهواره فروش نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: فدایت شوم، من کالاهایی دارم و تجارت می کنم، سود می برم و می دانم برای شما حق مشخصی وجود دارد که ما در مورد آن کوتاهی می کنیم. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: اگر امروزه (با شرایط فعلی) ما شما را به ادای این حقوق و پرداخت خمس این اموال مکلف کنیم، در حق شما انصاف به خرج نداده ایم (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۳). نیز هنگام حضور ابی سیار مسمع بن عبدالملک برای پرداخت خمس، امام علیه السلام آن را بر وی حلال کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰۸).

روایت آخر که از عمر بن یزید درباره ابی سیار نقل شده چون مرسل است نمی توان به آن استناد کرد، اما با فرض قبول روایت، این دو روایت، زندگی سخت و شرایط اقتصادی شیعیان، باعث شده است تا امام پرداخت خمس را از ایشان بردارد، چنان که



امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر امروزه (با شرایط فعلی) ما شما را به ادای این حقوق و پرداخت خمس این اموال مکلف کنیم، در حق شما انصاف به خرج نداده ایم (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۳).

مؤید این سخن، روایتی است که در آن شخصی از امام صادق علیه السلام درباره حلال بودن طعام خمس نداده خویش پرسید، فرمودند: اگر محتاج به آن است برای وی حلال است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۳). همچنین در گزارش دیگری آمده است: دو نفر برای حلیت پرداخت سهم خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند. امام علیه السلام فرمود: ما را نرسد که حلال کنیم یا حرام کنیم (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۵). بنابراین، امام علیه السلام وجوب خمس را بر نداشته اند، بلکه با توجه به موقعیت افراد به حلیت خمس برای وی امر الهی کرده اند.

گاهی شیعیان اموال دیگران را خریداری کرده و برای اطمینان از اینکه خمس بر آن واجب است یا نه، از امام سؤال می پرسیدند و امام حلیت این اموال را بیان می کردند، چنان که در گزارشی آمده است: حارث بن مُغیره از امام صادق علیه السلام پرسید: ما کالاهایی از قبیل غلات و کالاهای تجاری شبیه به این داریم و می دانیم که شما در آن سهمی دارید. امام علیه السلام فرمود: ما آن را بر شیعیان خود حلال نکردیم، مگر برای پاک بودن زاد و ولد آنان و هر که ولایت پدرانم را پذیرفته باشد. پس آنچه از حق ما در دست ایشان است بر آنان حلال است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۳).

امام صادق علیه السلام گاهی به علت کوتاهی برخی در پرداخت خمس، به شدت از آنان انتقاد می کرد، اما برای پاک کردن زاد و ولد آنان، خمس را بر آنان می بخشیدند، چنان که در روایتی امام علیه السلام خطاب به ضریس کناسی فرمود: آیا می دانید زنا از کجا بر مردم داخل شد؟ گفتم: نمی دانم. امام فرمود: از جانب خمس ما اهل بیت علیهم السلام (که نمی پردازند)، مگر برای شیعیان پاک نهاد ما؛ پس برای زاد و ولدشان حلال شده است (همان، ص ۱۳۶).

بنابراین، با توجه به فحوی این روایت و روایات دیگری که درباره حلیت مقطعی خمس برای برخی شیعیان وجود دارد (همان، ص ۱۴۳)، به نظر می رسد شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم علیه شیعیان (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۷۵) و عدم آگاهی کافی یا سهل انگاری آنان در خصوص پرداخت خمس اموال، زمینه بروز مشکل شرعی در زمینه نکاح و معاملات را به وجود آورده بود؛ از این رو، امام علیه السلام آن را برایشان حلال کردند